

21159 Buceyni

١١٨٨- جزء محمد بن بَجِيرِ الدُّهْلِيِّ:

قرأته على العماد أبي بكر بن إبراهيم بن العز
المقدسي، بسماعه له على المشايخ الثلاثة أبو محمد عبدالله
ابن الحسين بن أبي التائب، وأبي بكر بن محمد ابن عترة،
وزينب بنت يحيى بن الشيخ عز الدين بن عبدالعزيز ابن
عبد السلام، وقرأته على فاطمة بنت محمد بن عبدالهادي
بإجازة من أحمد بن إسماعيل ابن الجباب، وأحمد بن
علي العباسي، وعبدالرحمن (١) بن عبدالحسن المنشاري،
بسماع الأول من عثمان بن علي ابن الخطيب بالقرافة،
بإجازة زينب بنت أبي بكر، وسماع الباقيين من أبي
القاسم عبدالرحمن بن مكّي الطرابلسي، سيّط السلفي،
بسماعه وإجازة ابن خطيب القرافة، من أبي طاهر
السلفي، أنبأنا أبو الحسن مكّي بن منصور بن علان
الكرخي، أنبأنا أبو بكر أحمد بن الحسن الحيري، أنبأنا
أبو علي محمد بن أحمد بن معقل الميداني، أنبأنا محمد
ابن بَجِيرِ الدُّهْلِيِّ، به.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

2000

شهابالدين ابوالفضل احمد بن محمد بن علي بن حجر العسقلاني، المعجم الفهرس أو تجريد
اسانيد الكتب المشهورة والاجزاء المنشورة، تحقيقه، محمد شكور محمود الحاجي امير الميادينني،
بيروت ١٤١٨ هـ / ١٩٩٨ م، ص. 284. ISAM Ktp. 61756.

۱۳: دار قطنی، (۱۵۱/۱). در منابع جمعاً ۲۳ بیت از اشعار بجیر بن زهیر یافت شده است (نک: ابوالفرج، ۸۹/۱۷: آمدی، ۷۵: ابن عبدالبر، ۱۴۹/۱: ابن حجر، ۱۴۳/۱: ابن اثیر، ۱۶۵/۱: ابن کثیر، ۳۱۰/۴، ۳۳۹، ۳۵۰) که در آنها مفاهیمی چون برائت از آیین بت پرستی، تمجید از دلاوریهای مسلمانان و نکوهش دشمنان رسول (ص) به چشم می خورد (نک: ابن عبدالبر، ابن حجر، همانجاها؛ ابن کثیر، ۳۳۹/۴).

مآخذ: آمدی، حسن، المؤلف والمختلف، به کوشش عبدالستار احمد فراج، قاهره، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ ابن اثیر، علی، اسدالغابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابه، بیروت، ۱۳۲۷ق؛ ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب، به کوشش علی محمد بجای، قاهره، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۰م؛ ابن قتیبه، عبدالله، طبقات الشعراء، لیدن، ۱۹۰۲م؛ ابن کثیر، اسماعیل، البدایه والنهایه، به کوشش احمد ابولحم و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م؛ ابن ماکولا، علی، الاکمال، به کوشش عبدالرحمان بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۴ق؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، به کوشش علی محمد بجای، بیروت، مؤسسه جمال للطباعة و النشر؛ ازدی، عبدالغنی، المؤلف و المختلف، به کوشش محمد محی الدین جعفری، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۷ق؛ بغدادی، عبدالقادر، خزائن الادب، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ دار قطنی، علی، المؤلف والمختلف، به کوشش موفق بن عبدالله، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ فروخ، عمر، تاریخ الادب العربی، بیروت، ۱۹۸۴م. عزت ملا ابراهیمی

بجیر می، سلیمان بن محمد بن عمر (۱۱۳۱-۱۲۲۱ق/۱۷۱۹-۱۸۰۶م)، فقیه شافعی مصر. گویا نسب وی به شیخ جمعه زیدی از احفاد محمد بن حنفیه می رسیده است.

او در روستای بجیرم در غرب مصر متولد شد و در خردسالی به قاهره رفت. خوشاوندش موسی بجیرمی او را پروراند و به وی قرآن آموخت تا برای طلب علم بایسته گشت. سپس نزد شیخ محمد عشمای برخی از صحاح سته و متون دیگر حدیث، و نیز شماری از شروح منهاج نووی در فقه شافعی را فراگرفت. از دیگر استادانش محمد بن سالم حنفی (د ۱۱۸۱ق/۱۷۶۷م)، مصطفی بن محمد بن علی دیزی (د ۱۱۵۱ق/۱۷۳۸م)، علی بن محمد صعیدی مالکی (د ۱۱۸۹ق/۱۷۷۵م)، محمد بلیدی مالکی (د ۱۱۷۶ق/۱۷۶۲م) و عطیه أجهوری نامبردارند. همچنین شهاب الدین احمد بن عبدالفتاح مجبیری (د ۱۱۸۱ق)، عبدالله بن سلیمان جوهری (د ۱۲۰۱ق/۱۷۸۷م) و حسن بن علی مدابغی (د ۱۱۷۰ق/۱۷۵۷م) به وی اجازه روایت دادند (جبرتی، ۳۱۴/۶: مرادی، ۲۰۰/۴؛ بیطار، ۶۹۴/۲ - ۶۹۵). از شاگردان وی یاد نشده، اما به بهره وری خلقی بسیار از وی اشاره گردیده است. بجیرمی در اواخر عمر نابینا گشت؛ در مصطبه از قرای نزدیک زادگاهش درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد (جبرتی، بیطار، همانجاها). وی را از علمای برجسته جامع الازهر و هم شان و همدم محمد خشنی شافعی از استادان بنام آن جامع دانسته اند (نک: جبرتی، ۳۱۴-۳۱۳/۶: خفاجی، ۱۷۱/۱).

دیدگاههای فقهی بجیرمی، در آثار متأخر فقه شافعی چون اعانه الطالبین و حواشی شیروانی بازتابی وسیع داشته است (نک: دمیاطی، ۲/۱، ۶۵، ۵۷، ۵۰: شروانی، ۱۴، ۱۱، ۸، ۷/۱، جم: نووی جاوی، ۲۹۰/۱).

افریقا. ترجمه محمد حجی و محمد اخضر، بیروت، ۱۹۸۳م؛ سعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش یوسف اسعد داغر، بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م؛ مقریزی، احمد، الخطط، به کوشش گاستون ویت، ماهره، ۱۹۲۲م؛ ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۴ش؛ یعقوبی، احمد، «البلدان»، همراه الاعلاق النفسیه ابن رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۲م؛ همو، تاریخ، بیروت، ۱۳۹۷ق/۱۹۶۰م؛ نیز:

Cherbonneau, A., «Histoire de la littérature arabe au Soudan», JA, 1855, vol. VI; Cohen, M., «Langues chamito-sémitiques», *Les Langues du monde*, Paris, 1952, vol. I; Crystal, D., *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*, Massachusetts, 1992; El; Friedrich, J., *Istoriya pis'ma*, ed. I. M. Diakonov, Moscow, 1979; Jenkins, O. V., «The Beja of Sudan, Eritrea and Egypt», 1996, url Mar 2001: www.grmi.org/~zhanna/obj04.htm; MacEachern, S., «Genes, Tribes, and African History», *Current Anthropology*, Chicago, 2000, vol. XLI(3); Nichols, J., «Modelling Ancient Population Structures and Movement in Linguistics», *Annual Review of Anthropology*, Palo Alto, 1997, vol. XXVI; Palmer, F.R., «Cushitic», *Current Trends in Linguistics*, 1970, vol. VI; Rössler, O., «Verbalbau und Verbalflexion in den semitohamitischen Sprachen», ZDMG, 1951, vol. C; Sabby, O.S., *The History of Eritrea*, tr. M.F. Al-Azem, Beirut, Dar al-Masirah; Seligman, C.G. & Z. Brenda, «Notes on the History and Present Condition of the Beni-Amer (Southern Beja)», *Sudan Notes and Records*, 1930, vol. XIII(I); Sidahmed, A.S., «The Beja», *Sudan: Minorities in Conflict, the Minority Rights Group 1995 Report*, ed. P. Verney, 1995; Trimmingham, J. S., *Islam in Ethiopia*, London/New York, 1952; id., *Islam in the Sudan*, London, 1965; Tuch, F., «Erläuterungen und Berichtungen zu orientalischen Schriftstellern», ZDMG, 1847, vol. I; Vycichl, W., «Der bestimmte Artikel in der Bedja-Sprache,...», *Le Muséon*, 1953, vol. LXVI. احمد پاکچی

بجیر بن زهیر بن ابی سلمی، شاعر مخضرم. وی از قبیله مُزَینه از تیره مُضَر برخاست. پدرش زهیر بن ابی سلمی، از اصحاب معلقات، و برادرش کعب، سراینده قصیده معروف «بانت سعاد» (ه م) بود. از زندگی و فعالیتهای ادبی بجیر به رغم شهرت نسبیش، آگاهیهای تاریخی اندکی در دست است. ابن قتیبه دینسوری (ص ۵۹-۶۰) و ابوالفرج اصفهانی (۸۶/۱۷)، در مقایسه با نویسندگان معاصر خود اطلاعات جامع تری از نحوه اسلام آوردن وی تدارک دیده اند. از آن دو که بگذریم در دیگر منابع چیزی جز تکرار روایات کهن یا نقل حوادث بی اهمیت (به عنوان مثال، نک: بغدادی، ۴۹۸/۹-۴۹۹، ۵۰۲-۵۰۳) نمی توان یافت. بجیر اندکی قبل از سال ۷ق پیش از برادرش کعب به دین اسلام گروید (ابوالفرج، همانجا؛ ابن ماکولا، ۱۹۱/۱؛ فروخ، ۲۸۲/۱). به محض آنکه خبر اسلام آوردن بجیر به کعب رسید، قصیده ای در نکوهش برادر سرود و این قصیده او را بمغوض پیامبر اکرم (ص) گردانید. کعب که بر جان خود هراسیده بود، پنهانی نزد پیامبر (ص) آمد و زنهار خواست (برای تفصیل، نک: ه د، بانت سعاد، نیز کعب).

بجیر پس از گرویدن به آیین اسلام، به میان افراد قبیله خود بازگشت، اما چندی بعد، به حضرت پیامبر (ص) در مدینه پیوست و به حمایت از اسلام برخاست. وی در فتح مکه و غزوات خیبر و حنین همراه پیامبر (ص) بود و با سرودن اشعار حماسی، روحیه جهاد را در کالبد مسلمانان می دمید (ابن قتیبه، ۶۷: ابوالفرج، ۸۸/۱۷-۸۹: ابن کثیر، ۳۳۹/۴-۳۵۰).

حطیبه اشعار او را روایت کرده است (ابوالفرج، ۸۲/۱۷: ازدی،

وی بالغ بر ۶۰ هزار حدیث شنیده بوده است (ابن نقطه، ۱۷۶/۲-۱۷۷؛ ذهبی، تاریخ، ۴۲۰). عنایت فراوان بجیری به طلب حدیث و تحمل خیر، جایگاه حدیثی وی را بدانجا رساند که نویسندگان بعدی، از او به عنوان ثبت، صدوق و حافظ یاد کرده‌اند (همو، سیر، ۴۰۲/۱۴؛ ابن نقطه، ۱۷۵/۲). توانایی بجیری در حدیث به ویژه به سبب مسافرت‌های فراوانش موجب علو آسانید او بود و همین عوالی، بسیاری کسان را برای طلب حدیث نزد او می‌کشاند و ابوسعید ادرسی که به سبب بُعد مسافت نتوانسته بود از عوالی او بهره ببرد، ناخرسند بود (نک: ذهبی، همان، ۴۰۳/۱۴).

در میان شاگردان او می‌توان به ابن حبان، ابویکر محمد بن علی قفال چاجی، علی بن بندار صیرفی، احمد بن جناح کُشانی، سهل بن سری بخاری، اعین بن جعفر سمرقندی و ابونصر کزیمینی اشاره کرد (ابن حبان، ۵۷/۸؛ بیهقی، سمعانی، ابن عساکر، همانجا؛ ابن نقطه، ۱۷۶/۲).

آثاری را برای بجیری بر شمرده‌اند که بیشتر آنها از میان رفته است. مهم‌ترین اثر وی، مجموعه‌ای حدیثی بوده است که در منابع از آن با عناوینی چون الجامع المسند، الجامع الصحیح، یا به طور مطلق الجامع و المسند یاد شده است. نسخه‌ای خطی از این اثر در کتابخانه ظاهریه دمشق نشان داده شده است که بر اساس اطلاعات نسخه شناختی، در شیوه‌تویب با صحیح بخاری قابل قیاس است (نک: ظاهریه، ۳۶۵؛ برای تداول آن، نک: سمعانی، همانجا، نیز التَّحْبِیر، ۸۷/۲؛ یاقوت، همانجا). از دیگر آثار او می‌توان به المراسیل، التفسیر (ابن نقطه، همانجا) و جزئی حدیثی (بغدادی، ۳۶۱/۸) اشاره کرد. کتاب التفسیر او انگیزه داوودی برای آوردن نام او در طبقات المفسرین بوده است (۹/۲)؛ برای محدثانی از فرزندان بجیری، نک: سمعانی، الانساب، ۲۸۷/۱).

مآخذ: ابن حبان، محمد، صحیح، به کوشش شعیب ارنؤوط، بیروت، ۱۴۰۸/۱؛ ۱۹۸۸م؛ ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، عمان، دارالبشر؛ ابن ماکولا، علی، الاکمال، به کوشش عبدالرحمان بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۲م؛ ابن نقطه، محمد، التفسیر، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۴/۱؛ ۱۹۸۴م؛ بغدادی، ایضاً؛ بیهقی، احمد، السنن الکبری، حیدرآباد دکن، ۱۳۴۶ق؛ داوودی، محمد، طبقات المفسرین، بیروت، ۱۴۰۳/۱؛ ۱۹۸۳م؛ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام، حوادث سالهای ۳۰۱-۳۱۰، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴/۱؛ ۱۹۸۴م؛ همو، المشتبه، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۹۶۲م؛ سمعانی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت، ۱۴۰۸/۱؛ ۱۹۸۸م؛ همو، التَّحْبِیر، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد، ۱۳۹۵/۱؛ ۱۹۷۵م؛ ظاهریه، خطی (حدیث)، البانی؛ یاقوت، بلدان.

فرامرز حاج منوچهری

بجیله، یکی از قبایل مشهور عرب قحطانی که در صدر اسلام نقش مهمی در حوادث عراق داشت. نام این قبیله - که فرزاد نیز از آن در اشعار خود یاد کرده (۳۷۱/۱) - مأخوذ از نام بجیله، دختر صعب بن سعد العشیره است (سمعانی، ۹/۲؛ قلقتندی، ۳۲۹/۱؛ ابن اثیر، ۲۷۹/۱).

از بجیری دو اثر در فقه شافعی باقی است:

۱. التجرید لرفع العیب، حاشیه‌ای بر شرح منهج الطلاب قاضی زکریا انصاری در ۴ جلد که مشتمل بر دوره‌ای کامل از ابواب فقهی است. وی این کتاب را به درخواست برخی از دوستانش، و بر پایه حواشیی نگاشته که پیش‌تر بر شرح منهج و حاشیه شبراملسی نوشته بوده است (نک: ۳/۱). این کتاب در قاهره (۱۲۸۶، ۱۳۰۹، ۱۴۱۱ق) و سپس در بیروت (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م) منتشر شده است.

۲. تحفة الحیب علی شرح الخطیب، که حاشیه‌ای است بر الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع. چنانکه بجیری خود گفته است، وی ابتدا برخی از حواشی المنهج را برگزیده، و سپس مطالبی بر آن افزوده است (نک: ۷/۱). این کتاب نخست در قاهره (۱۲۸۶ و ۱۳۰۹ق) در ۴ جلد و سپس در بیروت (۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م) در ۵ جلد به چاپ رسیده است.

مآخذ: بجیری، سلیمان، التجرید لرفع العیب، بیروت، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م؛ همو، تحفة الحیب، بیروت، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م؛ بیطار، عبدالرزاق، حلیه البشر، به کوشش محمد بهجت بیطار، دمشق، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م؛ جبرتی، عبدالرحمان، عجائب الآثار، به کوشش حسن محمد جوهر و دیگران، قاهره، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م؛ خفاجی، محمد عبدالمنعم، الازهر فی الف عام، بیروت، عالم الکتب؛ دمیاطی، ابویکر، اعانة الطالبین، بیروت، دار الفکر؛ شروانی، عبدالحمید، حواشی، بیروت، دار الفکر؛ مرادی، محمد، سلک الدرر، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ نووی جاوی، محمد، نهاییه الزین، بیروت، دار الفکر. سیمین محقق

بجیری، ابوحفص عمر بن محمد بن بجیر بن حازم همدانی سمرقندی (۲۲۳-۳۱۱ق/۸۳۸-۹۲۳م)، محدث و مفسر ماوراءالنهر. در برخی از آثار نام نیای او به صورت خازم آمده است (مثلاً نک: سمعانی، الانساب، ۲۸۶/۱؛ ابن عساکر، ۳۴۹/۱۳).

خاستگاه اصلی خاندان او قریه خُشُوفَقَن (= رأس القنطره)، یکی از قرای سفند بود و به همین سبب، به خُشُوفَقَنی نیز شهرت داشت (یاقوت، ۴۴۷/۲). بجیری در این دیار در خاندانی اهل علم (نک: سمعانی، همان، ۲۸۶-۲۸۷/۱؛ ذهبی، المشتبه، ۴۸۸/۱) رشد کرد و ضمن آموزش علوم متداول نزد پدر، همراه او به سرزمینهای گوناگون اسلامی از جمله خراسان، بصره، کوفه، حجاز، شام و مصر سفر کرد و از مشایخ بسیاری دانش آموخت (نک: همو، تاریخ...، ۴۱۹-۴۲۰). سفرهای فراوان او برای طلب و استماع حدیث، سبب گشت تا نویسندگان بعدی از او به عنوان «رخاله» یاد کنند (مثلاً ابن نقطه، ۱۷۵/۲). در میان استادان بنام او افزون بر پدرش، می‌توان از کسانی چون محمد بن بشار بُنْدَار بصری (د ۲۵۲ق/۸۶۶م)، محمد بن مُثَنِّی بصری (د ۲۵۲ق)، عیسی بن حماد بصری (د ۲۴۸ق)، عمرو بن علی فلاس بصری، عباس ابن ولید خَلال (در دمشق)، ابوظاهر ابن سُرْح و اسحاق بن شاهین واسطی یاد کرد (نک: بیهقی، ۴۶۹/۲؛ ابن عساکر، همانجا؛ ابن ماکولا، ۴۶۴/۱؛ سمعانی، همان، ۲۸۶/۱؛ ابن نقطه، ۱۷۵-۱۷۶؛ ذهبی، سیر...، ۴۰۳/۱۴).

بجیری که ظاهراً بیشترین بهره علمی را از محمد بن بشار برده است، خود به ۳ دوره حضور در محضر شیخ اشاره کرده، و گفته است که از

Buceyri

2 - السرّ المصون والدرّ الممكنون؛
3 - حواشٍ على: الدرّ المنتخب في تاريخ مملكة حلب لابن الشحنة.

المصادر والمراجع

● معجم المطبوعات العربية، لسركيس 526؛ ● معجم المؤلفين 97/9 و 15/
136؛ ● الدرّ المنتخب في تاريخ مملكة حلب، لابن الشحنة، دار الكتاب العربي، دمشق 1404 هـ/ 1984م.
(المقدّمة)؛ ● موسوعة علماء المسلمين في تاريخ لبنان الإسلامي، عمر عبد السلام تدمري، القسم الثالث، جزء 5/ 254 - 256 رقم 1590.

د. عمر عبد السلام تدمري
الجامعة اللبنانية - طرابلس - لبنان

قرى حلب في أواخر سنة 1036 هـ. وحاشية عن الجُرن الذي كان للنصارى في المدرسة الحلاوية الحنفية بحلب، وفي هذه الحاشية يفيدنا «أبو اليُمن» أنه كان مدرّساً بمدرسة حُسرو باشا بحلب أيضاً. كما زاد حاشية على المدرسة البلدقية، بها، والمدرسة الأنابكية، والمظهرة التي بسوق السلاح غربيّ جامع حلب، وفي إحدى الحواشي ينقل نصّاً من حوادث سنة 350 هـ عن «تاريخ الأنطاكي» لـ «يحيى بن سعيد الأنطاكي» المتوفى سنة 458 هـ. توفي «أبو اليُمن البتروني» في سنة 1046 هـ/ 1636م. وقد بلغ من العمر 80 سنة، ودُفن بالصالحية.

آشارة

1 - الفجر الساطع في ذكر السيف القاطع؛

ابن بُجَيْر، أبو حفص عُمر بن محمد

(223هـ/838م - 311هـ/923م)

الأثير، اللباب، 1/ 122]. وكان ابن بجير فاضلاً خيراً ثبّتا صدوقاً حافظاً ويعد من أوعية العلم، وعرف بمحدّث ما وراء النهر (ما وراء نهر جيحون، ومدنها كثيرة منها الشاش، والصغد، وفرغانة، وبخارى، وسمرقند) [معجم البلدان، 5/ 45]. وكان والده (ت 268هـ / 881م) محدثاً مشهوراً ورحالة، روى الحديث عن شيوخه أمثال مسدد بن

هو أبو حفص عمر بن محمد بن بُجَيْر بن حازم الهمداني السمرقندي الخشوفغني (من قرى الصغد، والصغد: ناحية بين بخارى وسمرقند نسب إليها من أهل العلم كثيرون) [معجم البلدان، 3/ 222]. ويقال لها «رأس القنطرة». وُبُجَيْر بضم الباء وفتح الجيم وسكون الياء، بالتصغير، وهي النسبة إلى الجد بجير [ابن

موسوعة أعلام العلماء و الأدباء العرب المسلمين، مج 3، بيروت 1425/2005. ص. 147-148. ISAM 140436